

## **An Analysis of Knowledge Management Theories: An Approach Based on Scientific Mapping**

Reza karimi <sup>1\*</sup>  
Yaghoub Norouzi <sup>2</sup>

1. *Assistante Professor, Department of Knowledge and Information Science; University of Qom; Iran. (Corresponding Author)*

2. *Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, University of Qom, Qom, Iran. Email: ynorouzi@gmail.com*

*Email: karimirez@gmail.com*

### **Abstract**

*Date of Reception:*  
*10/05/2019*

**Purpose:** The present study is to identify theories of knowledge management and determine the impact of each theorist on subsequent works.

*Date of Acceptation:*  
*08/12/2019*

**Methodology:** This is an applied scientometrics research that was carried out using library methods and citation analysis. Bibliographics information related to 69 theories and categories of knowledge management along with their reference information was taken from the web of science database and then citation analysis and bibliographic coupling analysis were performed. HistCite, VOSViewer, Netdraw and Ucinet software were used for analysis and visualization.

**Findings:** The results showed that the peak of the emergence of knowledge management theories was in the nineties of the nineteenth century by management scientists. A few of the theories were proposed by scientists from the fields of knowledge and information science, computer scientists and a few other disciplines. Citation analysis showed that the theories mainly cited management sources; however, there were also citations to the sources of other fields especially to library and information science, Computer, Technology and innovation, psychology, philosophy, and knowledge management. Bibliographic coupling map showed that about four-fifths of the theories were linked to each other as a whole network.

**Conclusion:** Noaka is the most important theorist in the field of knowledge management. The theory of organizational knowledge creation and company theory have had the greatest impact on the effects of the past. Historiography of the works showed that works by Nonaka, Grant, Prahalad, Hamel, and Spender has played an important role in linking older theories to more recent works.

**Keywords:** Knowledge management, Theories, Citation analysis, Bibliographic coupling, theorists.

## تحلیلی بر نظریه‌های مدیریت دانش: رویکردی مبتنی بر نگاشت علمی

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، ایران.

Email: ynorouzi@gmail.com

Email: karimirez@gmail.com

رضا کریمی<sup>\*۱</sup>

یعقوب نوروزی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر، شناخت نظریه‌های مدیریت دانش و تعیین میزان تأثیرگذاری هریک از نظریه‌پردازان بر آثار بعدی است.

**روش‌شناسی:** این پژوهش از نوع کاربردی علم‌سنجی است که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل استنادی انجام شده است، به همین منظور، اطلاعات کتاب‌شناختی مربوط به ۶۹ نظریه و مقوله مدیریت دانش به همراه اطلاعات مآخذ آنها از پایگاه وب آوساینس گرفته شد و مورد تحلیل استنادی، زوج کتاب‌شناختی و تحلیل موضوعی مآخذ قرار گرفت. در ادامه روابط استنادی این آثار و مآخذ آنها پردازش و ترسیم شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان دادند اوج ظهور نظریه‌های مدیریت دانش در دهه نود قرن نوزدهم و توسط متخصصان مدیریت بوده است. با این حال، متخصصان رشته‌های دیگری مثل کتابداری و علم اطلاعات و کامپیوتر نیز در طرح این نظریه‌ها نقش داشته‌اند. ضمن اینکه نظریه‌پردازان حوزه مدیریت از آثار حوزه‌های دیگری مثل کتابداری و علم اطلاعات، کامپیوتر، علوم تربیتی و روان‌شناسی، تکنولوژی و نوآوری، فلسفه و مدیریت دانش نیز بهره گرفته‌اند. از نظر زوج کتاب‌شناختی و استناد، حدود چهار پنجم مجموعه نظریه‌ها با یکدیگر دارای پیوند هستند و یک شبکه منسجم را تشکیل می‌دهند.

**نتیجه‌گیری:** نوناکا مهم‌ترین نظریه‌پرداز حوزه مدیریت دانش است و نظریه خلق دانش سازمانی و نظریه شرکت بیشترین تأثیر را بر آثار بعد از خود داشته‌اند. مطالعه تاریخ‌نگاری نیز نشان داد که آثار Spender, Prahlad, Hame, Grant, Nonaka نقش مهمی در پیوند نظریات با همدیگر داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** مدیریت دانش، نظریه‌ها، تحلیل استنادی، زوج کتاب‌شناختی، نظریه‌پردازان.

صفحه ۱۲۲-۱۰۳

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۷

## مقدمه و بیان مسئله

مدیریت دانش اصطلاحی است بین‌رشته‌ای که رشته‌های مختلفی از جمله مدیریت اطلاعات، کتابداری، علوم سازمانی، علوم شناختی، زبان‌شناسی، فناوری‌های اطلاعاتی، مدیریت اطلاعات و اسناد؛ فناوری‌های نوشتاری و روزنامه‌نگاری، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، فلسفه به مطالعه آن می‌پردازند (هیسینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). اما از بُعد مفهومی همان‌طور که حسن‌زاده (۱۳۸۶) بیان می‌کند، مدیریت دانش اعمال مدیریت و زمینه‌سازی برای تبدیل دانش (نهان به عیان و بالعکس) در داخل یک سازمان از طریق گردآوری، به اشتراک‌گذاری و استفاده از دانش به‌عنوان یک سرمایه سازمانی به‌منظور دستیابی به اهداف سازمان‌هاست. به لحاظ تاریخی اولین بار پولانی<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) عبارت دانش ضمنی را در کتاب خود به‌کاربرد. بدون اینکه کاربرد واقعی آن را ذکر کرده باشد؛ اما به‌طور رسمی مدیریت دانش در اواخر دهه هشتاد میلادی در همایش‌ها و کتاب‌های مدیریت بازرگانی به‌کاررفت.

هم‌زمان و با ظهور پدیده اقتصاددانشی، توجه زیادی از طرف مراکز دانشگاهی و تجاری به بحث مدیریت دانش شد و موجب شد تا حجم گسترده‌ای از پژوهش‌های رشته‌هایی همچون مدیریت بازرگانی، علم اطلاعات و کتابداری و علوم کامپیوتر و برخی حوزه‌های وابسته دیگر در بیش از چهار دهه گذشته به مطالعه آن اختصاص یابد. مروری بر برخی پژوهش‌ها و آثار همچون (بسکرویل و دیلویاچی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶)، (هیسینگ، ۲۰۰۹)، (کران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶)، (لی و چن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲)، (بدفورد و لوئیس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵)، (کاکابادزه، کاکابادزه و کویزمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳) و (والتر و ریبری<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱) مؤید این مسئله بوده و گستردگی توجه به این حوزه را آشکار می‌سازد. همچنان که بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها منجر به الگوسازی و یا نظریه‌پردازی در حوزه مدیریت دانش شد. هرچند به‌طور دقیق تعداد مدل‌ها و نظریه‌هایی که تاکنون در حوزه مدیریت دانش مطرح شده است مشخص نیست؛ اما مجموعه‌ای شامل ۱۳۵ نظریه در آثار کران (۲۰۱۶) و ادوارد<sup>۹</sup> (۲۰۱۶) گردآوری شده است که این مسئله گواه توجه ویژه به این حوزه بوده است.

با وجود آثار و منابع متعدد منتشرشده که به برخی از آنها اشاره شد، هرچند امکان درک بهتر از نظریه‌های مدیریت دانش حاصل شده است، اما درک سیر تکاملی این نظریه‌ها و ارتباط میان آنها از لحاظ خاستگاه‌های آنها، سهم حوزه‌ها و رشته‌های مختلف درگیر در شکل‌گیری این نظریه‌ها از جمله نکاتی است که پژوهش در این زمینه را موجب شده است. بررسی دقیق اینکه بعد از گذشت چندین دهه منشأ پیدایش نظریه‌های مدیریت دانش از کجا بوده است و نظریه‌های تأثیرگذار و متناظر در این زمینه کدام‌ها هستند، می‌تواند در رویکرد مطالعات این حوزه نقش داشته باشند. ضمن اینکه شناسایی جامعه آماری این گونه نظریه‌ها و رابط استنادی آنها می‌تواند در بحث تأثیرگذاری انواع خاص نظریه‌ها در همدیگر و نگاه نظریه‌پردازان و زمینه و بسترهای ظهور این گونه نظریه‌ها کمک‌کننده باشد. بنابراین، مقاله حاضر با هدف کمک به درک بهتر این مسائل شکل گرفت. درواقع این پژوهش درصدد تعمیق شناخت ما از سیر تکاملی این نظریه‌ها، خاستگاه‌های آنها، میزان تأثیرگذاری آنها بر پژوهش‌های بعد خود و سهم حوزه‌ها و رشته‌های

1. Heisig
2. Polanyi
3. Baskerville and Dulipovici
4. Crane
5. lee and Chen
6. Bedford & Lewis
7. Kakabadse, Kakabadse, Kouzmin
8. Walter & Ribière
9. Edward

مختلف در شکل گیری این نظریه هاست. در مسیر رسیدن به این شناخت، استفاده از فنون تحلیل استنادی و نگاهت نقشه های استنادی مورد توجه قرار گرفت تا با مصورسازی روابط میان نظریه ها، شناخت روابط میان آنها تسهیل شود. بر همین اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخ گویی به چهار سؤال زیر است:

### سؤال‌های پژوهش

۱. روند انتشار نظریه های مدیریت دانش در طی سال های مختلف چگونه است؟
۲. رابطه میان نظریه های مختلف مدیریت دانش از حیث استنادی چگونه است؟
۳. نظریه های مدیریت دانش وام دار کدام حوزه های موضوعی هستند؟
۴. کدام یک از نظریه های مدیریت دانش بر آثار بعد از خود تأثیر بیشتری داشته اند؟

### چارچوب نظری

نوناکو و تاکه اوچی (۱۹۹۵)، مدیریت دانش را مجموعه فعالیت های تبدیلی برای خلق دانش در نظر می گیرند، که دانش از طریق تعامل دانش نهان و دانش آشکار خلق می شود. به نظر آنها خلق دانش سازمانی عبارت است: از توانایی یک سازمان برای خلق دانش جدید و انتشار آن در سرتاسر سازمان و عملی کردن آن در تولیدات خدمات و سیستم های آن سازمان (نقل در رضایی نور، لاریجانی، مولاناپور، ۱۳۹۳). همچنین گاویریا مارین، مریگو و فونتس<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، مراحل مهم توسعه مدیریت دانش را در چهار نسل از سال ۱۹۶۰ تاکنون، بدین سان برمی شمارند: نسل اول ظهور اولین متفکران مدیریت دانش مانند؛ مکلاپ (۱۹۶۲)، پولاتی (۱۹۶۷)، دراگر (۱۹۶۸)، و بل (۱۹۷۳) و از طریق دراگر و پولانی (۱۹۶۸) به پیوند بین نقش دانش در اقتصاد پرداختند. در این مرحله، مدیریت دانش به عنوان ابزار تعریف می شود. نسل دوم در دهه نود اتفاق افتاد. انتشار منابع اصلی مدیریت دانش مانند آثار گرانت (۱۹۹۶)، نوناکو (۱۹۹۴)، انتشار مجله یادگیری سازمانی (۱۹۹۴)، انتشار مجله مدیریت دانش (۱۹۹۷)، همچنین تأثیرگذارترین کتاب های مدیریت دانش از نوناکو و تاکه اوچی (۱۹۹۵) و داوونپورت و پروساک (۱۹۹۸) در این دهه است. در این مرحله دانش، به عنوان فرایند تعریف می شود. نسل سوم از سال ۲۰۰۰ به بعد شکل گرفت. در این دهه، اولین سازمان ها و شبکه های همکاری متمرکز بر مدیریت دانش، مانند انجمن بین المللی مدیریت دانش، کنفرانس اروپایی مدیریت دانش و مجلات تخصصی دیگر در زمینه مدیریت دانش شکل گرفتند. در این مرحله نقش مدیریت دانش با موفقیت سازمان ها گره خورد. نسل چهارم مربوط به سال های بعد از ۲۰۱۰ است که به حل مسائل پیچیده در حوزه مدیریت دانش پرداخته است و نقش مدیریت دانش در فرایند اجتماعی تا روش مهندسی مدیریت پیش رفته است.

درواقع، علم سنجی رویکردی سیستماتیک است که به تحلیل گذشته، حال و آینده و توسعه علم دلالت دارد که علاوه بر کمیت، به کیفیت نیز توجهی خاص دارد. بر همین مبنا حیدری (۱۳۸۸)، علم سنجی را تجزیه و تحلیل کمی و تا حد امکان کیفی فرایند تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات علمی و عوامل مؤثر بر آن و توصیف، تبیین و پیش بینی این فرایند، به منظور برنامه ریزی، سیاست گذاری، آگاهی و آینده نگری علمی و پژوهشی در ابعاد فردی، گروهی، سازمانی، ملی و بین المللی بیان می دارد. در این راستا علم سنجی برای پیشبرد اهداف خود از ابزارهایی مانند تحلیل استنادی، تحلیل زوج های کتابشناختی استفاده می کند. همچنین علم سنجی کاربردهایی در حوزه های گوناگون دانشی دارد که از جمله اینها می توان به اندازه گیری، طبقه بندی و توصیف برون داده های علمی، درک جریان های دانشی،

1 . Gaviria-Marin, Merigó, Fuentes

شناسایی تأثیرات نظری و عملی مطالعات علمی، درک رفتار محققان، تیم‌های تحقیقاتی و مؤسسات، تعیین مؤثرترین روش تخصیص منابع برای به حداکثر رساندن نتیجه تحقیق و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری پژوهش اشاره کرد؛ بنابراین، مطالعه حوزه‌های علمی از جمله مدیریت دانش با توجه به میان‌رشته‌ای بودن مباحث آن می‌تواند در محک و توان این رشته و ابزارهای علم‌سنجی به لحاظ کیفی و کمی جذابیت‌ها و دستاوردهای خاص خود را داشته باشد.

### پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت مدیریت دانش، پژوهش‌های متعددی در زمینه نگاه علمی مدیریت دانش صورت گرفته است؛ اما تا جایی که پیشینه‌های بررسی شده نشان می‌دهد، پژوهشی که از منظر تحلیل استنادی نظریه‌ها و مقوله‌های مدیریت دانش را مورد بررسی قرار داده باشند، اندک‌شمار هستند. به همین سبب در این بخش علاوه بر ذکر این نوع پژوهش‌ها به بررسی پژوهش‌هایی که به لحاظ روش و محتوا با پژوهش حاضر در ارتباط هستند، پرداخته می‌شود.

### پیشینه پژوهش در داخل

در رابطه با پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور، پژوهش‌های مرتبط با علم‌سنجی در زمینه مدیریت دانش در بخش‌های تحلیل هم‌واژگانی، هم‌تألفی، ترسیم ساختاری، مقایسه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش و استنادی تقسیم می‌شوند. در بخش تحلیل واژگانی، پژوهشگرانی همچون صدیقی (۱۳۹۱) کاتبی (۱۳۹۳)، حاضری، توکلی زاده و ابراهیمی (۱۳۹۴)، حاضری، توکلی زاده و ابراهیمی (۱۳۹۵) به پژوهش در این زمینه پرداختند. در بخش هم‌تألفی نیز حاضری، ملکی زاده و امینیان دهکردی (۱۳۹۴) پژوهشی را انجام دادند که نشان دهنده اقبال کم پژوهشگران در این زمینه است. البته این مسئله در زمینه ترسیم ساختاری با مشارکت صدیقی، و جلالی منش (۱۳۹۱)، مقایسه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش به روش تحلیل واژگانی توسط احمدی و کوبکی (۱۳۹۳) صدق می‌کند. همچنان که کوبکی، حیدری و صراطی شیرازی (۱۳۹۳) به شناسایی واژگان مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش در انتشارات داخلی با استفاده از مقایسه کتاب‌شناختی برون‌دادهای انتشاراتی این حوزه‌ها با تأکید بر سهم علم اطلاعات و دانش‌شناسی در پایگاه وب آو ساینس پرداختند. از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه مدیریت دانش با رویکرد تحلیل استنادی به صورت جامع‌تری انجام شده است، مربوط به پژوهش حاضری، مکی‌زاده و مرادی قره‌خانی (۱۳۹۵) در قالب پایان‌نامه است که به مطالعه گرایش‌های موضوعی مقالات مدیریت دانش در حوزه علم اطلاعات و کتابداری با رویکرد تحلیل استنادی پرداختند. با تحلیل واژگانی و با استفاده از خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، تمامی مقالات مدیریت دانش در حوزه علم اطلاعات و کتابداری در پایگاه وب آو ساینس به سه گروه مقالات فاقد استناد، دارای استناد و پراستناد تقسیم بندی شد. نتایج نشان دادند موضوعات فاقد استناد به ۱۲ خوشه، دارای استناد به ۱۰ خوشه و مقالات پراستناد به هفت خوشه تقسیم شدند. همچنین مشخص شد که بنیان این سه خوشه‌بندی، دانش آشکار و نهان است. هاشمی و خاصه نیز در سال ۱۳۹۶ پژوهش‌های فارسی‌نمایه‌شده مرتبط با مدیریت دانش در پایگاه ISC مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آنان نشان دادند پیمان اخوان برترین نویسنده در حوزه مدیریت دانش است و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مدیریت دانش از هشت خوشه موضوعی اصلی تشکیل شده‌اند.

### پیشینه پژوهش در خارج

در خارج از ایران، پژوهش‌هایی بر روی روابط بین نظریه‌ها و متون مرتبط با نظریه‌ها و مدل‌های مدیریت دانش

انجام شده است. بعضی از این پژوهش‌ها به فراتحلیل مقالات، موضوعات و موارد کلی مدیریت دانش نظیر فراوانی تعاریف به‌کاربرده‌شده در مورد دانش، فراوانی روش‌شناسی‌های تحقیق، بیشترین آثار استناد شده و مشخص کردن نویسندگان و کشورهای مطرح در حوزه مدیریت دانش پرداخته‌اند. برای مثال، پژوهش بسکرویل و دیلوپاوجی (۲۰۰۶) که با استفاده از روش تحلیل محتوا بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ انجام شد بر اساس معیارهایی نظیر تعداد استناد، تعداد ۱۳۵ مقاله از ۶۱ مجله و ۴۷ کتاب را مورد مطالعه قرار داد. هدف پژوهش استخراج نظریه‌های مدیریت دانش بود که برای اولین بار مطرح شده بودند، در نهایت ۷۴ مقاله از ۳۸ مجله و ۲۵ کتاب انتخاب شدند و فهرستی از نظریه‌های مدیریت دانش با توجه به مقوله‌های موضوعی مدیریت دانش استخراج شد. در کوششی دیگر هیسینگ (۲۰۰۹) ۱۶۰ مدل مدیریت دانش را با توجه به منبع، ریشه، نوع، تعریف دانش، فعالیت‌های مدیریت دانش و با توجه به عوامل کلیدی موفقیت، تحلیل و مقایسه کرد. روش پژوهش، تحلیل محتوا بود که مدل‌ها را با سه رویکرد طبقه‌بندی کرد: چگونگی درک دانش، فعالیت‌های مدیریت دانش و شناسایی عوامل موفقیت مدیریت دانش. سه عامل اصلی موفقیت در مدیریت دانش تأکید بر انسان (شامل فرهنگ، مردم و رهبری)، سازمان و فناوری شناسایی شد. برخی دیگر از پژوهش‌ها قالب یکپارچه‌ای از مدل‌های مدیریت دانش با ادغام آنها ارائه دادند. همچنین الاس، فلیت و داونز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) پژوهشی به روش فراتحلیل در رابطه با اهمیت مدیریت دانش، فعالیت‌ها و عملکردهای مدیریت دانش، عوامل توانمندساز ظهور مدیریت دانش، روش‌های به‌کارگیری و حمایت از مدیریت دانش و کاربردهای آن انجام دادند. در پژوهشی دیگر کاروالیو، فلوری و لویز<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) با رویکرد رده‌بندی و با تمرکز بر عناصر مدیریت دانش، نظام مدیریت دانش KMS را ارائه دادند؛ تیمی<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) نیز فراتحلیل ۷۲ مطالعه مرور پیشینه را به صورت نظام‌مند تحلیل و مقایسه کرد و طبقه‌بندی از مدل‌های مدیریت دانش ارائه داد. در پژوهشی دیگر سرنکو و دومای<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) انتشارات مربوط به مدیریت دانش را تحلیل کردند و ۱۰۰ مقوله استنادی را از هفت مجله در زمینه مدیریت دانش شناسایی کردند. هرچند که دامنه مقالات آنها محدود بود و بیشتر مطالعات تجربی و مفهومی را شامل می‌شد، اما نتایج پژوهش نشان داد که پژوهشگران انگلیسی و آمریکایی بیشترین تأثیر را در این حوزه داشته‌اند. در نهایت کرن (۲۰۱۶) با تمرکز بر مرور پیشینه مدیریت دانش و نظریه‌های مختلف مدیریت دانش و با توجه به عوامل مختلف سازمانی، کنش‌های اجتماعی و انسانی را طبقه‌بندی کرد. یافته‌های او نشان داد عوامل سازمانی و کنش‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

### جمع‌بندی از مرور پیشینه

مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که با وجود تعداد زیاد آثار مربوط به مطالعه مدیریت دانش، اطلاعاتی در مورد روابط استنادی نظریه‌ها، روابط بین‌رشته‌ای نظریه‌ها با توجه به منابع و مآخذ آنها و یا حتی ملیت افراد مطرح‌کننده نظریه‌ها و میزان تأثیرگذاری این نظریه‌ها بر آثار بعد از خود در دست نیست و انجام پژوهش حاضر می‌تواند در این زمینه مفید باشد.

1. Wallace, Fleet, Downs
2. Carvalho, Fleury and Lopes
3. Fteimi
4. Serenko and Dumay

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی علم‌سنجی است که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل استنادی انجام شده است. در این پژوهش، منظور از نظریه‌های مدیریت دانش، نظریه‌ها، مدل‌ها و چهارچوب‌های نظری است که طی چند دهه گذشته توسط پژوهشگران مختلف در حوزه مدیریت دانش ارائه شده‌اند و به‌طور مشخص سیاهه‌ای از آنها در دو اثر (کران، ۲۰۱۶، ص ۵۸-۵۹)، (ادواردز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶، ص ۳۸) ارائه شده است. برای انجام پژوهش، ابتدا سیاهه‌ای از نظریه‌ها و چهارچوب‌های مرتبط با حوزه مدیریت دانش از دو منبع اصلی نامبرده تهیه شد که تعداد آنها به ۱۳۵ نظریه می‌رسد. سپس بر اساس اطلاعات کتاب‌شناختی آثار اصلی هر نظریه، در پایگاه Web of Science جستجو شد تا اطلاعات کتاب‌شناختی به‌علاوه مآخذ این آثار گردآوری شود. علاوه بر این، برای تعیین میزان تأثیر هر یک از منابع بر منابع دیگر، میزان استناد به هر یک از منابع نیز گردآوری شد. از آنجاکه فقط ۶۹ عنوان از میان ۱۳۵ نظریه یادشده در قالب مقاله مجله یا آثاری بودند که در این پایگاه وجود داشتند، همین تعداد در تحلیل نهایی لحاظ شدند و باقی آثار از جامعه آماری کنار گذاشته شدند. سیاهه آثار مورد تحلیل در پیوست الف آمده است. داده‌ها به صورت یک فایل متنی برچسب‌دار از پایگاه Web of Science گرفته شد و توسط چندین نرم‌افزار از جمله HistCite، Web of Science و Excel مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر تحلیل استنادی ساده و تحلیل زوج کتاب‌شناختی، مآخذ این ۶۹ نظریه نیز تحلیل موضوعی و دسته‌بندی شدند تا مشخص شود که این نظریه‌ها تا چه اندازه وام‌دار منابع حوزه‌های مختلف هستند.

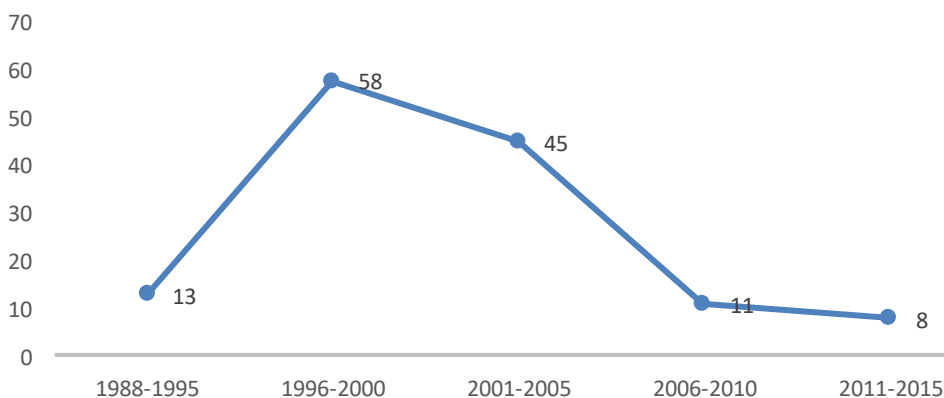
## یافته‌های پژوهش

### پاسخ به سؤال اول پژوهش. روند انتشار نظریه‌های مدیریت دانش در طی سال‌های مختلف چگونه است؟

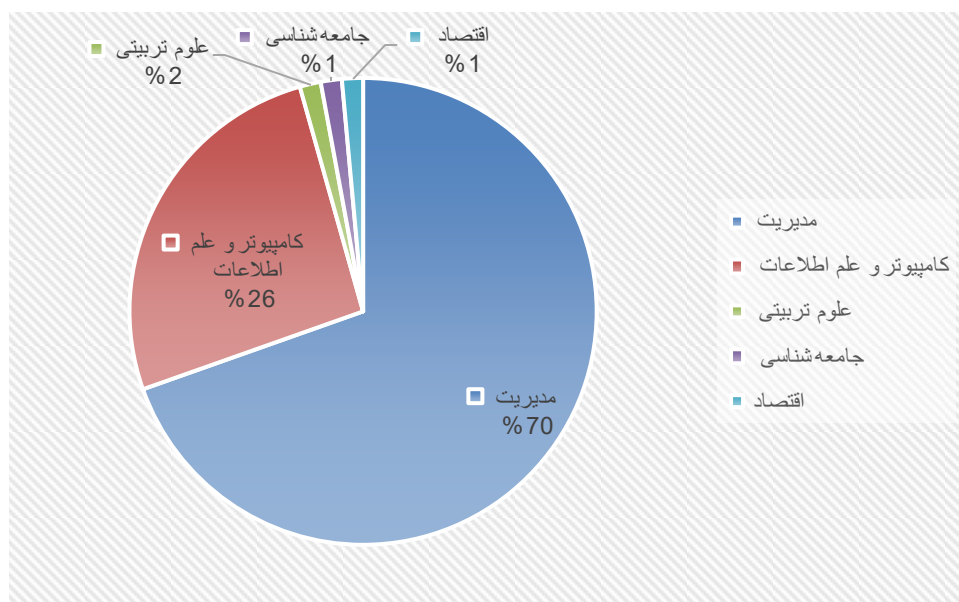
در پاسخ به پرسش اول نمودار ۱. روند انتشار نظریه‌های مدیریت دانش را نشان می‌دهد که مشخص است اوج روند تولید و انتشار نظریه‌ها و مدل‌ها بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ بوده است. در رابطه با ۶۹ نظریه نهایی مورد بررسی در این پژوهش ۴۷ نظریه توسط دانشمندان آمریکایی، ۱۲ نظریه توسط بریتانیایی‌ها، شش مورد توسط ژاپنی‌ها، و کشورهای کانادا، چین و اسپانیا هرکدام با ارائه دو نظریه در ردیف بعدی قرار دارند و در نهایت کشورهای استرالیا، دانمارک، مصر، فرانسه، آلمان، ایرلند، هلند، سنگاپور، کره جنوبی، سوئیس و تایوان هرکدام یک نظریه به واسطه دانشمندان خود ارائه داده‌اند.

در ادامه خاستگاه موضوعی نظریه‌های مورد بررسی بر اساس اینکه در متون چه رشته‌ای منتشر شده‌اند در نمودار ۲ نشان داده شده است. در این میان رشته مدیریت با ۷۰ درصد و علم اطلاعات و کامپیوتر با ۲۶ درصد بیشترین سهم را در توسعه و تدوین این نظریه‌ها داشته‌اند. همچنان که سهم باقی رشته‌ها نیز قابل مشاهده است.

1 . Edwards



نمودار ۱. روند انتشار نظریه‌های مدیریت دانش (۱۹۸۸ تا ۲۰۱۵)



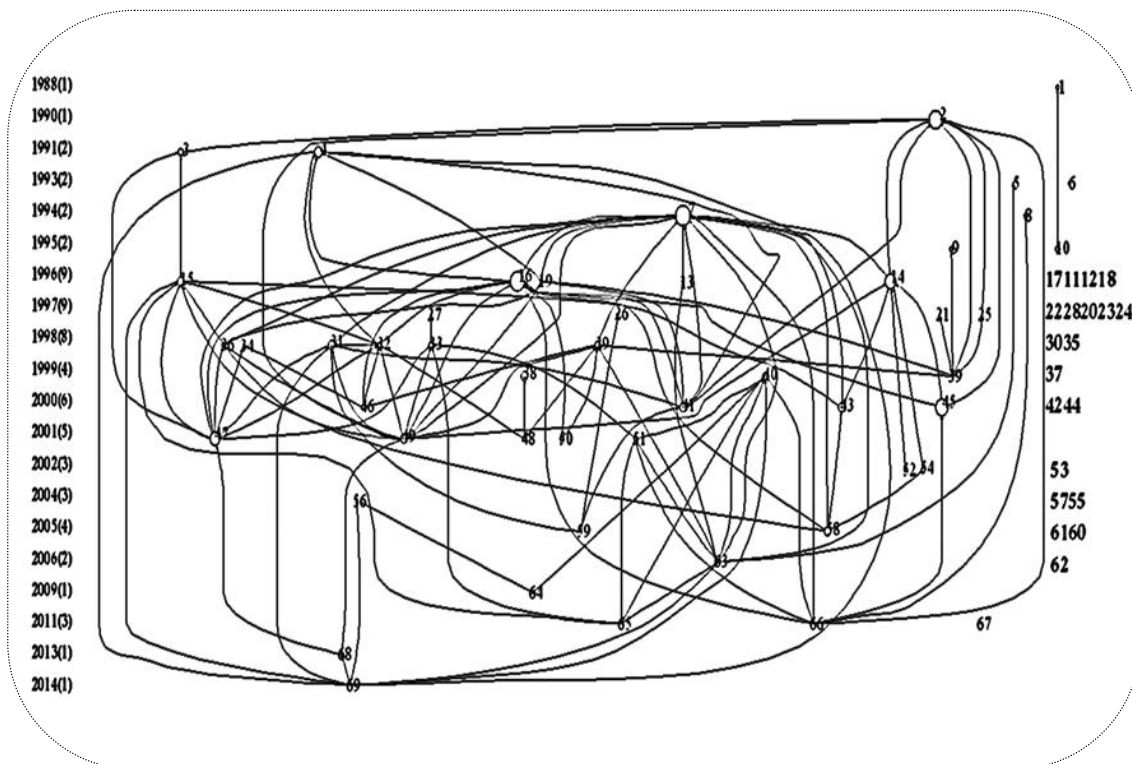
نمودار ۲. خاستگاه موضوعی نظریه‌ها

### پاسخ به سؤال دوم پژوهش. رابطه میان نظریه‌های مختلف مدیریت دانش از حیث استنادی چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش، می‌توان رابطه استنادی و سیر تاریخی نظریه‌های مورد بررسی با تحلیل استنادی این نظریه‌ها با استفاده از هیستوریوگراف ایجادشده (نمودار ۳) مشخص کرد. در این نمودار هر گره معرف اثری است که در یک نظریه مطرح شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نمودار سیر زمانی دارد به این معنی که هرچه از بالای نمودار به سمت پایین حرکت می‌کنیم، به زمان اخیر نزدیک می‌شویم. خطوط نیز نشان‌دهنده رابطه استنادی هستند. شماره‌ای که در ابتدای خطوط آمده است نشان‌دهنده نظریه مورد نظر است (پیوست الف). همچنین زمان نشر نظریه‌ها در سمت چپ نمودار درج شده است و عدد داخل پرانتز جلوی سال نشر نیز تعداد آثار در آن سال را نشان می‌دهد که بیشترین آنها مربوط به سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰ با مجموع ۳۶ اثر است. با بررسی نمودار به این نتیجه می‌رسیم



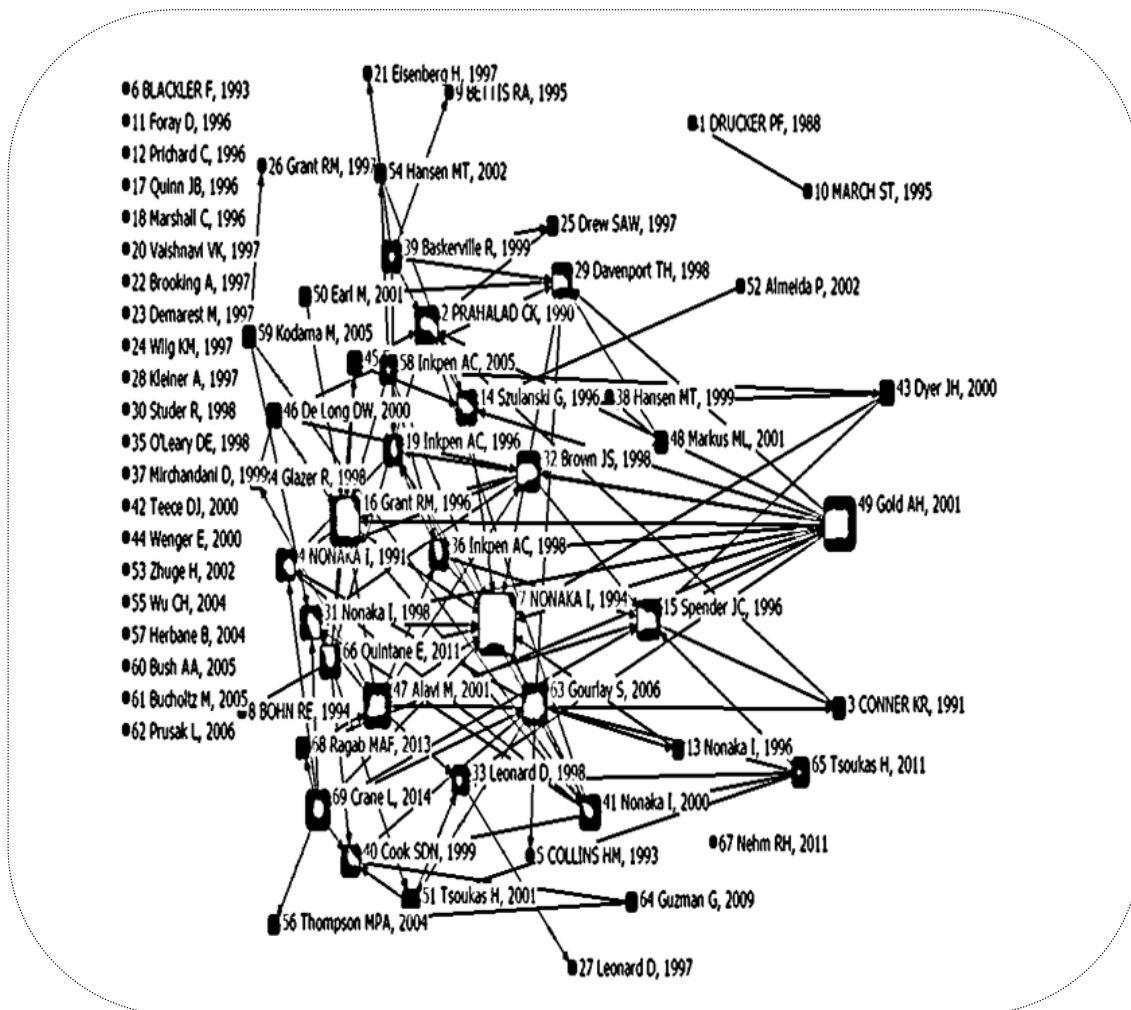
که از مجموع ۶۹ نظریه، ۲۱ نظریه منزوی است و هیچ پیوند استنادی با دیگر آثار این مجموعه ندارند که عبارت اند از شماره ۶، ۱۷، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۲، ۲۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۵۳، ۵۷، ۵۵، ۶۱، ۶۰ و ۶۲. همچنین دو اثر ۱۰ و ۱ فقط با هم دارای پیوند هستند.



نمودار ۳. هیستوریوگراف رابطه استنادی نظریه‌های مدیریت دانش

در مجموع، ۱۱۱ پیوند در این شبکه وجود دارد و برخی گره‌ها اجزای مختلف این شبکه را به هم پیوند می‌دهند. آثار افرادی نظیر نوناکا<sup>۱</sup> با نظریه خلق دانش سازمانی در سال ۱۹۹۴ با ۱۵ پیوند شماره (۷)، گرت<sup>۲</sup> با ۹ پیوند شماره (۹)، پراهلند<sup>۳</sup> و هامل<sup>۴</sup> هشت پیوند شماره (۸) اسپندر<sup>۵</sup> با ۷ پیوند شماره ۱۵، نوناکا شماره ۷، داونپورت<sup>۶</sup>، دی لانگ<sup>۷</sup> و بیرز<sup>۸</sup> شماره ۲۹، نوناکا و توایاما<sup>۹</sup> و کونو<sup>۱۰</sup> با شماره ۳۱ و کوک<sup>۱۱</sup> و براون<sup>۱۲</sup> شماره ۴۰ هر یک با ۶ پیوند، بیشترین پیوند را دارا هستند. همچنین شبکه استنادی نظریه‌های مورد مطالعه در نمودار ۴ نیز قابل مشاهده است.

- 1 . Nonaka
- 2 . Grant
- 3 . Prahlad
- 4 . Hamel
- 5 . Spender
- 6 . Davenport
- 7 . De Long
- 8 . Beers
- 9 . Toyama
- 10 . Konno
- 11 . Cook
- 12 . Brown

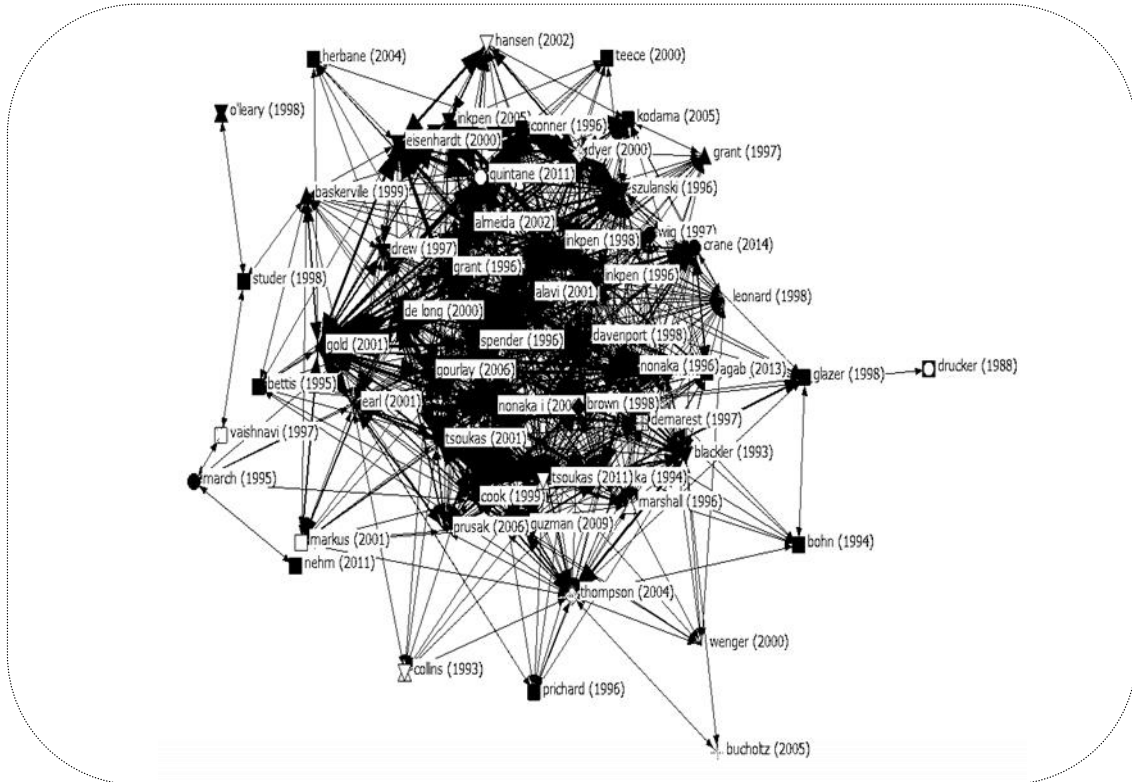


نمودار ۴. شبکه استنادی نظریه‌های مورد مطالعه

نمودار ۵. بر اساس تحلیل استنادی زوج کتاب‌شناختی میان آثار مطرح‌کننده نظریه‌ها تشکیل شده است. شبکه با استفاده از نرم‌افزار علم‌سنجی استخراج شد؛ و گره‌های مزوی که فاقد هرگونه پیوند بودند از شبکه حذف شدند. قطر گره‌ها مطابق تعداد استناد دریافتی آنها در میان ۶۹ نظریه مورد بررسی است. ضخامت پیوندها نیز نشان‌دهنده شدت میزان پیوند زوج کتاب‌شناختی میان دو اثر است. زمانی که دو اثر به صورت مشترک به یک یا چند اثر دیگر استناد بدهند، آن دو اثر استناددهنده را جفت کتاب‌شناختی گویند (جمالی مهمویی، ۱۳۹۲). هر چه تعداد منابع مشترک آنها بیشتر باشد، این رابطه قوی‌تر است که در نمودار ۴ به صورت خطوط ضخیم‌تر نمایش داده شده است. همان‌طور مشخص است آثار و نظریه‌های ۵۶ نویسنده از ۶۹ نویسنده دارای ۱۳۶۸ گره هستند؛ که در این میان گلد<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۱ با ۱۸۷، نوناکا در سال ۱۹۹۱ با ۱۸۴ علوی در سال ۲۰۰۱ با ۱۶۵، گرت با ۱۳۳ در سال ۱۹۹۶، اسپندر در سال ۱۹۹۶ با ۱۳۰، اینکپن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۶ با ۱۲۶، کوئیتن<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۱ با ۱۲۳، سیوکاس<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۱ با ۱۱۹، دی لانگ در سال ۲۰۰۰ با ۱۰۳ و سیوکاس در سال ۲۰۰۱ با ۱۰۱ پیوند، دارای مأخذ مشترک زیادی با هم هستند. همچنین

1. Gold
2. Inkpen
3. Quintane
4. Tsoukas

شبکه نشان دهنده این است که مآخذ مشترک، در میان ۵۶ مورد از میان ۶۹ نظریه مورد بررسی وجود دارد که قابل توجه است. همچنین در نمودار ۵، شبکه زوج کتاب‌شناختی نظریه‌های مدیریت دانش ارائه شده است.



نمودار ۵. شبکه زوج کتاب‌شناختی نظریه‌های مدیریت دانش

### پاسخ به سؤال سوم پژوهش. نظریه‌های مدیریت دانش وام‌دار کدام حوزه‌های موضوعی هستند؟

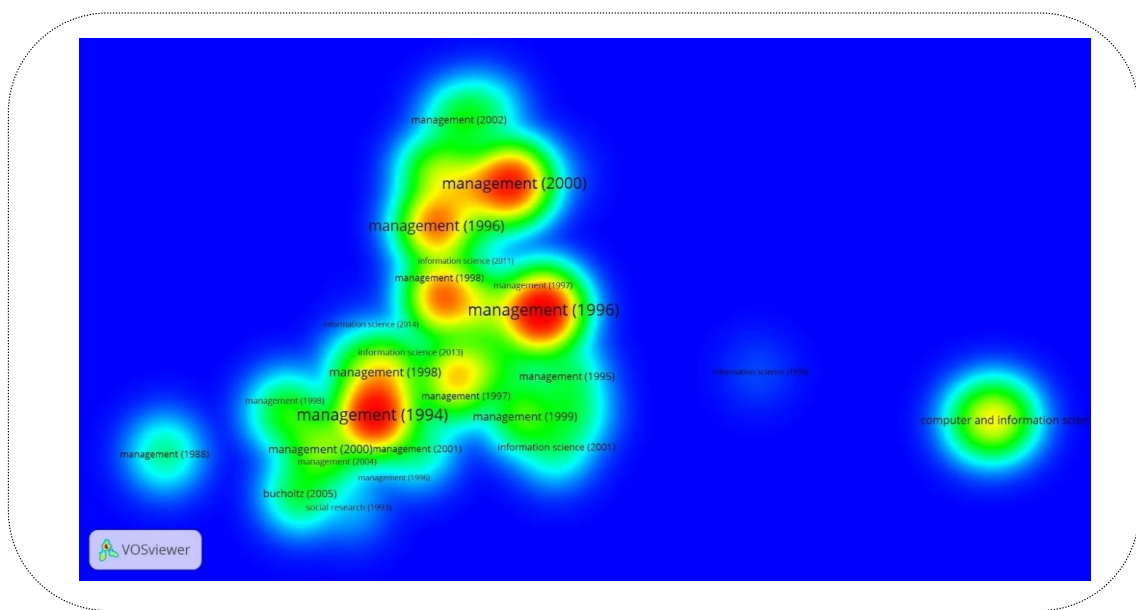
برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش و پی بردن به این مسئله که نظریه‌های حوزه مدیریت دانش وام‌دار متون چه حوزه‌های موضوعی هستند، مآخذ آنها مورد تحلیل موضوعی قرار گرفتند. در مجموع ۶۹ اثر مورد بررسی دارای ۲۸۹۵ منبع بودند که به همگی موضوع داده شد. این موضوع‌دهی به منابع، بر اساس عنوان مجلات بود. علت این امر این بود که اطلاعات منابع در فایل‌های خروجی وب‌آو‌نالچ به صورت اختصار ثبت شد و به دلیل اینکه بعضی از آثار کتاب یا پایان‌نامه بودند و عنوان آنها مشخص نبود پس از پایان تحلیل موضوعی، امکان تعیین موضوع ۱۴۳ منبع فراهم نشد و تعداد ۲۷۵۲ منبع مورد تحلیل قرار گرفت. جدول ۲ تعداد و درصد منابع مورد استناد را به تفکیک نشان می‌دهد. جدول ۲ و نمودار ۶ رشته‌های موضوعی و سال‌های مورد استناد و چگالی آنها را در زمینه نظریه‌های مدیریت دانش را نشان می‌دهد.

طبق داده‌های جدول ۲، طیف وسیعی از منابع رشته‌های مختلف در ۶۹ نظریه مدیریت دانش مورد استناد قرار گرفته‌اند. همان‌طور که مشخص است ۳۸.۴ درصد از منابع مربوط به حوزه مدیریت (اعم از مدیریت، مدیریت بازرگانی، مدیریت استراتژیک و غیره) بوده‌اند. پس از آن، حوزه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۱.۱ درصد)، کامپیوتر و علم اطلاعات (۸ درصد)، علوم تربیتی و روان‌شناسی (۷.۳ درصد)، تکنولوژی و نوآوری (۶.۲۵ درصد)، فلسفه (۶.۱ درصد) و مدیریت دانش (۵.۸۵ درصد) بیشترین درصد از منابع را به خود اختصاص داده‌اند. حوزه‌هایی همانند

مدیریت دانش، جامعه‌شناسی، اقتصاد، زبان و ارتباطات به ترتیب رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در نمودار ۶ چگالی موضوعی منابع مورد استناد در نظریه‌های مورد مطالعه بر اساس اطلاعات جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. رشته‌های موضوعی و سال‌های مورد استناد نظریه‌های مدیریت دانش

| موضوع                   | نیمه اول |          | مجموع استنادات |           |           |           |           | درصد |      |
|-------------------------|----------|----------|----------------|-----------|-----------|-----------|-----------|------|------|
|                         | قرن ۱۹   | قرن بیست | ۲۰۰۱-۲۰۱۳      | ۱۹۹۱-۲۰۰۰ | ۱۹۸۱-۱۹۹۰ | ۱۹۷۱-۱۹۸۰ | ۱۹۶۰-۱۹۷۰ |      |      |
| مدیریت                  | ۰        | ۸        | ۱۰۵۷           | ۱۹۱       | ۵۸۴       | ۱۹۲       | ۵۱        | ۳۴   | ۳۸.۴ |
| کتابداری و اطلاع‌رسانی  | ۰        | ۳        | ۳۰۵            | ۷۹        | ۱۶۴       | ۳۸        | ۱۱        | ۱۲   | ۱۱.۱ |
| کامپیوتر و علم اطلاعات  | ۰        | ۱        | ۲۲۱            | ۲۸        | ۱۰۲       | ۶۶        | ۲۰        | ۴    | ۸    |
| علوم تربیتی و روانشناسی | ۰        | ۱        | ۲۰۱            | ۴۶        | ۹۴        | ۳۵        | ۱۷        | ۸    | ۷.۳  |
| تکنولوژی و نوآوری       | ۰        | ۰        | ۱۷۲            | ۲۳        | ۱۱۶       | ۲۶        | ۶         | ۱    | ۶.۲۵ |
| فلسفه                   | ۰        | ۸        | ۱۶۹            | ۲۰        | ۷۲        | ۳۵        | ۱۵        | ۱۸   | ۶.۱  |
| مدیریت دانش             | ۰        | ۰        | ۱۶۱            | ۱۰۱       | ۳۸        | ۵         | ۱۲        | ۸    | ۵.۵۸ |
| جامعه‌شناسی             | ۰        | ۱        | ۱۰۹            | ۱۹        | ۳۳        | ۲۰        | ۲۱        | ۱۵   | ۴    |
| اقتصاد                  | ۰        | ۴        | ۱۰۷            | ۰         | ۲۵        | ۲۸        | ۱۲        | ۳۸   | ۳.۹  |
| علوم پایه               | ۳        | ۴        | ۷۹             | ۹         | ۲۹        | ۲۲        | ۱۰        | ۴    | ۲.۹  |
| علوم انسانی             | ۰        | ۳        | ۵۸             | ۵         | ۳۱        | ۸         | ۷         | ۴    | ۲    |
| زبان و زبان‌شناسی       | ۰        | ۰        | ۴۸             | ۱۹        | ۲۱        | ۵         | ۱         | ۲    | ۱.۷  |
| کامپیوتر                | ۰        | ۰        | ۴۲             | ۴         | ۱۹        | ۱۷        | ۲         | ۰    | ۱.۵  |
| ارتباطات                | ۰        | ۰        | ۲۳             | ۲         | ۱۱        | ۶         | ۲         | ۲    | ۰.۸  |
| جمع                     | ۳        | ۳۳       | ۲۷۵۲           | ۵۴۶       | ۱۳۳۹      | ۵۰۳       | ۱۷۹       | ۱۴۶  | ۱۰۰  |



نمودار ۶. چگالی موضوعی منابع مورد استناد در نظریه‌های مورد مطالعه

طبق نمودار ۶، اولین سال‌های استناددهی مربوط به منابع علوم پایه است که در سال ۱۸۵۱ با نظریه تکامل دروین آغاز شده است، اما نقطه اوج زمانی منابع مورد استناد در نظریه‌های مدیریت دانش به ترتیب مربوط به دهه ۹۰ قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم و هشتاد قرن بیستم میلادی است، به طوری که در کل در این سی سال ۸۶۸ درصد از کل استنادات رقم خورده است.

### پاسخ به سؤال چهارم پژوهش. کدام یک از نظریه‌های مدیریت دانش بر آثار بعد از خود تأثیر بیشتری داشته‌اند؟

برای پاسخ به پرسش چهارم، با توجه به میزان اثرگذاری نظریه‌های مدیریت دانش بر آثار بعدی را می‌توان با تحلیل استنادی این نظریه‌ها با استفاده از پایگاه وب او ساینس (جدول ۳) مشخص کرد.

جدول ۳. میزان استناد به نظریه‌های مدیریت دانش

| عنوان مقاله   | موضوعات اصلی                         | نویسنده             | سال انتشار | میزان استناد | سال بالاترین میزان استناد | اولین سال استناد | آخرین سال استناد |
|---|--------------------------------------|---------------------|------------|--------------|---------------------------|------------------|------------------|
| Dynamic theory of organizational knowledge creation                 | اقتصاد اطلاعات: خلق دانش سازمانی     | NONAKA              | 1994       | 5277         | 2016                      | 2001             | 2018             |
| Toward a knowledge-based theory of the firm                         | اقتصاد اطلاعات: سازمان‌های دانش محور | Grant               | 2001       | 4811         | 2016                      | 2002             | 2018             |
| The core competence of the corporation                              | اقتصاد اطلاعات: سازمان‌های دانش محور | PRAHALAD, HAMEL     | 1990       | 4275         | 2016                      | 2000             | 2017             |
| Dynamic capabilities: What are they?                                | مدیریت استراتژیک: قابلیت‌های پویا    | Eisenhardt, Martin, | 2000       | 3521         | 2016                      | 2003             | 2018             |
| Exploring internal stickiness:                                      | اقتصاد اطلاعات: انتقال دانش          | Szulanski           | 1996       | 2690         | 2016                      | 2001             | 2018             |
| Knowledge management and knowledge management systems:              | اقتصاد اطلاعات: انتقال دانش          | Alavi, Leidner,     | 2001       | 2481         | 2016                      | 2004             | 2018             |
| The knowledge-creating company                                      | اقتصاد اطلاعات: خلق دانش             | NONAKA, I           | 1991       | 1472         | 2016                      | 2000             | 2017             |
| Making knowledge the basis of a dynamic theory of the firm          | مدیریت استراتژیک                     | Spender, JC         | 1996       | 1306         | 2016                      | 2001             | 2018             |
| The concept of "ba": Building a foundation for knowledge creation   | اقتصاد اطلاعات: خلق دانش             | Nonaka, I; Konno,   | 1998       | 1266         | 2016                      | 1999             | 2018             |
| Creating and managing a high-performance knowledge-sharing network: | اقتصاد اطلاعات: خلق و اشتراک دانش    | Inkpen, AC          | 1996       | 1185         | 2016                      | 2002             | 2018             |

جدول ۳. میزان استناد به نظریه‌های مدیریت دانش

| عنوان مقاله   | موضوعات اصلی                         | نویسنده                               | سال انتشار | میزان استناد | سال بالاترین میزان استناد | اولین سال استناد | آخرین سال استناد |
|---|--------------------------------------|---------------------------------------|------------|--------------|---------------------------|------------------|------------------|
| What's your strategy for managing knowledge?  | استراتژی‌های دانش: اشتراک دانش       | Hansen, MT; Nohria, N; Tierney, T     | 1999       | 1127         | 2016                      | 2002             | 2018             |
| Social capital, networks, and knowledge transfer  | اقتصاد اطلاعات: شبکه‌های دانشی       | Inkpen, AC; Tsang, EWK                | 2005       | 1065         | 2016                      | 2007             | 2018             |
| Knowledge Engineering: Principles and methods   | فناوری: نظام‌های دانش محور           | Studer, R; Benjamins, VR; Fensel, D   | 1998       | 1052         | 2016                      | 2001             | 2018             |
| A resource-based theory of the firm: Knowledge versus opportunism   | اقتصاد اطلاعات: سازمان‌های دانش محور | Conner, KR; Prahalad, CK              | 1996       | 953          | 2016                      | 2001             | 2018             |
| SECI, ba and leadership: a unified model of dynamic knowledge creation                                    | اقتصاد اطلاعات: خلق دانش             | Nonaka, I; Toyama, R; Konno, N        | 2000       | 940          | 2016                      | 2002             | 2018             |
| Knowledge management: An organizational capabilities perspective  | استراتژی دانش: مدیریت استراتژیک      | Gold, AH; Malhotra, A; Segars, AH     | 2001       | 907          | 2016                      | 2004             | 2018             |
| Communities of practice and social learning systems   | نظام‌های یادگیری اجتماعی             | Wenger, E                             | 2000       | 886          | 2016                      | 2003             | 2018             |
| Successful knowledge management projects  | زیرساخت پشتیبانی از دانش             | Davenport, TH; De Long, DW; Beers, MC | 1998       | 812          | 2016                      | 2001             | 2018             |
| Bridging epistemologies: The generative dance between organizational knowledge and organizational knowing | معرفت‌شناختی دانش                    | Cook, SDN; Brown, JS                  | 1999       | 796          | 2016                      | 2001             | 2018             |
| Design and natural science research on information technology   | فرهنگ دانش                           | De Long, DW; Fahey, L                 | 2000       | 771          | 2016                      | 2004             | 2018             |
| The role of tacit knowledge in group innovation   | دانش پنهان در نوآوری گروهی           | Leonard, D; Sensiper, S               | 1998       | 533          | 2016                      | 2001             | 2018             |
| Knowledge networks: Explaining effective knowledge sharing in multiunit companies                         | شبکه‌ها و خوشه‌های دانشی             | Hansen, MT                            | 2002       | 533          | 2016                      | 2004             | 2016             |
| Identity and interaction: a sociocultural linguistic approach   | زبان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی          | Bucholtz, M; Hall, K                  | 2005       | 507          | 2016                      | 2006             | 2018             |

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، این نظریات ۴۳۵۴۰ بار مورد استناد آثار بعد از خود قرار گرفته‌اند. همچنین ۲۱ نظریه‌ای که بیش از پانصد بار مورد استناد قرار گرفته‌اند در جدول (۳) آمده است. این ۲۱ نظریه در مجموع ۸۶.۴ درصد از استنادهای بعد را به خود اختصاص داده‌اند. به ترتیب نظریه خلق دانش سازمانی نوناکا (۱۹۹۴)، و نظریه شرکت گرت (۲۰۰۱)، نظریه شرکت‌های رقابتی پراهلند و حامل در سال ۱۹۹۰ بالای چهار هزار استناد در مقالات آی اس ای دارند. از نظر میزان استناد، سال ۲۰۱۶ نقطه اوج شکوفایی نظریه‌های مدیریت دانش است. با توجه به اینکه زمینه تخصصی نوناکو خلق دانش است، بیشترین نظریه‌های تأثیرگذار مدیریت دانش با ۲۶ درصد مربوط به خلق دانش است. رتبه‌های بعدی نظریه‌های تأثیرگذار مدیریت دانش به عوامل فرهنگی، معرفت‌شناسی و اجتماعی؛ مدیریت استراتژیک؛ اشتراک دانش؛ فناوری و سازمان‌های دانش‌محور اختصاص دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

مطالعاتی از نوع رویکرد حاضر، داده‌هایی در رابطه با چگونگی جریان دانش در بین رشته‌های مختلف تولید می‌کند و فرصتی برای مطالعات بین‌رشته‌ای فراهم می‌کند (لیون و تیسن، ۲۰۰۰). بنابراین تصمیم گرفته شد تا نظریه‌های مدیریت دانش به‌عنوان شاخه‌ای بین‌رشته‌ای مورد توجه قرار گیرد. شناخت این نوع نظریه‌ها به امکان تفکر و اندیشه بهتر در رابطه با مطالعه و بهره‌برداری از آنها را در اختیار می‌گذارد. از سوی دیگر، مطالعه روابط استنادی یکی از پایدارترین ارتباطات بین منابع اطلاعاتی و چرخه ارزش‌افزایی اطلاعات است. با این اوصاف مطالعه روابط استنادی نظریه‌های حوزه مدیریت دانش نشان داد که اوج ظهور این نظریه‌ها مربوط به دهه نود قرن بیستم است که هم‌زمان با رشد و شکوفایی و توجه بیشتر به بُعد دانشی سرمایه‌های سازمان‌ها و شرکت‌هاست. از همین رو، و با توجه به قرابت حوزه مدیریت به ویژه مدیریت بازرگانی، در چند دهه گذشته رشته غالب در طرح و توسعه نظریه‌های مدیریت دانش بوده است؛ بنابراین استفاده از منابع مدیریت نیز در این نظریه‌ها زیاد بوده است. البته از جمله دلایل شاید این باشد که عمده متخصصان مطرح‌کننده این نظریه‌ها، خود از دانشمندان و متخصصان حوزه مدیریت بوده‌اند. مؤید این مسئله نیز، نظریه نوناکا (۱۹۹۴) است که در این پژوهش هم از نظر استناد در میان مجموع نظریه‌ها و هم از نظر زوج کتاب‌شناختی و هم میزان تأثیرگذاری پراستناد بوده است

بررسی سیر تاریخی نظریه‌ها نیز نشان داد که رشد آنها با اثر دراکر<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۸ آغاز شد. در ادامه در سال ۱۹۹۰ مقاله پراهلند و حامل و در سال ۱۹۹۱ مقاله کونر<sup>۲</sup> به واسطه مقاله اسپندر نقش مهمی در تحول این نظریه‌ها ایفا کردند و شبکه‌ای از ۴۹ نظریه مدیریت دانش را به هم پیوند دادند؛ اما نقطه آغاز و تحول‌آفرین نظریه‌های مدیریت دانش در سال ۱۹۹۴ با نظریه خلق دانش سازمانی نوناکا آغاز شده است و مورد استناد ۱۵ نظریه‌پرداز دیگر مدیریت دانش بوده است. همچنین ۵۲ درصد نظریه‌های مدیریت دانش بین سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰ منتشر شده است که نشان از رشد نظریه‌پردازی در این سال‌ها بوده است و به‌نوعی مطالعات نظری در این سال‌ها پررنگ بوده است. از جمله نویسندگان مطرح در این دهه می‌توان به گرت و اسپندر (۱۹۹۶)؛ داوِنپورت، دی لانگ و بیرز (۱۹۹۸)، کوک و براون (۱۹۹۹)، نویسندگان مطرح مورد استناد بوده‌اند.

از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در مجموع، بدنه متون حوزه نظریه مدیریت دانش، بدنه‌ای است که از نظر استفاده از منابع حوزه‌ها و رشته‌های مختلف غنی است. همچنان که در پژوهش‌های زیادی که

1. DRUCKER  
2. CONNER

در این زمینه صورت گرفته، مورد تأیید قرار گرفته است که به برخی از آنها در قالب پیشینه‌های پژوهش در این مقاله نیز توجه شده است. ضمن اینکه این مطالعات نشان دادند که ارتباطات و روابط میان رشته‌ای به نسبت گسترده است؛ بنابراین این گونه نظریه‌ها علاوه بر حوزه مدیریت، وام‌دار حوزه‌های متعدد دیگری نظیر علم اطلاعات و کتابداری، کامپیوتر، علوم تربیتی، فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد، زبان و زبان‌شناسی و ارتباطات است. از سوی دیگر، پیوند میان خود نظریه‌ها و مدل‌ها- ۴۹ نظریه در یک شبکه- به حد کافی گسترده است تا بتواند شبکه‌ای به نسبت منسجم را تشکیل دهد که بیشتر نظریه‌ها و مدل‌ها را در خود جای می‌دهد. از همین رو مشخص شد که منابع مورد استناد در نظریه‌های مدیریت دانش منحصرأ در اختیار دانشمندان مدیریت نیست. رشته علم اطلاعات و کتابداری با ۱۱.۱ درصد بعد از رشته مدیریت مهم ترین منابع مورد استناد نظریه‌های مدیریت دانش را به خود اختصاص داده است. نظریاتی که مبتنی بر اقتصاد سازمان‌های دانش‌محور است و بر جنبه رقابتی بودن سازمان‌ها تأکید دارند بیشترین تأثیر را بر آثار خود بعد از خود داشتند که نقطه شکوفایی نظریه‌های مدیریت دانش در سال ۲۰۱۶ از نظر میزان استناد است. همچنین برای بهبود درک ما از روابط استنادی و تعامل میان نظریه‌ها لازم است به تحلیل محتوای مقالات مطرح‌کننده نظریه‌ها و تحلیل بستر استنادها پرداخته شود. در حال حاضر، اگرچه تحلیل روابط استنادی مشخص کرد که کدام آثار وام‌دار آثار دیگر هستند و کدام یک تأثیرگذاری بیشتری بر آثار خود داشته‌اند، اما انگیزه و چگونگی استفاده از این آثار مشخص نیست و لازم است این مسئله در پژوهش‌های بعدی باید مشخص شود. همچنین به‌عنوان پیشنهاد می‌توان به این مسئله اشاره کرد که نظریه‌هایی که به اشتراک دانش توجه بیشتری داشته‌اند بیشتر مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند و این مسئله می‌تواند ما را در بهره‌گیری و تولید این گونه نظریه‌ها کمک کند. همچنین این گونه نظریه‌ها به بُعد تعامل انسانی و ارتباط انسانی بیشتر توجه نشان داده‌اند. از سوی دیگر، نظریه‌هایی که از قابلیت درک بیشتری برخوردار بوده‌اند استناددهی بیشتری داشته‌اند. بنابراین مطالعه این بُعد از نظریه‌ها نیز می‌تواند نتایج خاصی را در پی داشته باشد. در مقابل، نظریه‌هایی از جنبه تخصص‌گرایی خاصی برخوردار بوده‌اند، میزان استناددهی به آنها به نسبت کمتر بوده است و عمومیت کمتری یافته‌اند. همچنین می‌توان از استنادات صورت‌گرفته دریافت که نوع رشته تولیدکننده نظریه در میزان استناددهی نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد، بلکه عواملی که در بالا به آنها اشاره شد از تأثیر بیشتری برخوردارند. ضمن اینکه باید اشاره کرد که نظریه‌هایی که تحول‌ساز بوده‌اند و موجبات پیشرفت در یک کشور، سازمان و یا شرکت را سبب‌ساز شده‌اند از اقبال بیشتری در مطالعات این حوزه برخوردار بوده‌اند.

### پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش

در این قسمت بر اساس یافته‌های پژوهش و بر اساس مباحث ارائه‌شده می‌توان پیشنهادهایی را به‌گونه‌ای واضح ارائه داد که می‌تواند کمک‌کننده پژوهش‌هایی باشد که در زمینه مدیریت دانش و نظریه‌های مرتبط با آن قابل انجام است:

۱. تحلیل محتوای مقالات مطرح‌کننده نظریه‌ها و تحلیل بستر استنادها برای درک از روابط استنادی نظریه‌ها می‌تواند مورد توجه پژوهشگران باشد؛
۲. بررسی انگیزه‌های استناددهی آثار و نظریه‌های مدیریت دانش به یکدیگر می‌تواند مقوله پژوهشی برای علاقه‌مندان به این حوزه فراهم آورد، بنابراین لازمه توجه بیشتری است؛
۳. مقایسه بین استناددهی به نظریه‌ها بر اساس موضوع مورد توجه آنها به لحاظ روابط انسانی و سایر مقوله‌ها از جمله



- مباحث تخصصی و صنعتی در پژوهش‌های این حوزه؛
۴. کشورها و شرکت‌های در حال ظهور و رشد زمینه مناسبی برای نظریه‌پردازی در این زمینه به شما می‌روند؛
۵. در نهایت به نظر می‌رسد نظریه‌هایی که بر اساس بسترهای عملیاتی شکل گرفته‌اند، بیشتر مورد توجه بوده‌اند؛ بنابراین توجه به این مسئله می‌تواند به‌عنوان راهنمای پژوهشگران و نظریه‌پردازان این حوزه در شکل‌دهی به عناوین پژوهشی و بسترهای نظریه‌پردازی باشد.

## فهرست منابع

- احمدی، حمید؛ کوکبی، مرتضی (۱۳۹۴). همایندی واژگان: مطالعه‌ای پیرامون پیوند و مرز میان مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش بر اساس انتشارات داخلی نویسندگان ایرانی. *پردازش و مدیریت اطلاعات* ۳، ۶۴۷-۶۷۶.
- جمالی مهمونی، حمیدرضا (۱۳۹۲). نگاهت نقشه علمی نظریه‌های رفتار اطلاعاتی انسان. *پردازش و مدیریت اطلاعات* ۴، ۹۷۱-۹۸۷.
- حاضری، افسانه، توکلی زاده راوری، محمد، ابراهیمی و جبهه (۱۳۹۴). تعیین طبقات اصلی مرتبط با مدیریت دانش در پایگاه وب آو ساینس و مطالعه هم‌پوشانی موضوعی آنها. *پردازش و مدیریت اطلاعات* ۴، ۹۹۷-۱۰۲۳.
- حاضری، افسانه، مکی زاده، بی‌بی فاطمه، مرادی قره‌قانی، سمیرا. (۱۳۹۵). مطالعه گرایش‌های موضوعی مقالات مدیریت دانش در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با رویکرد تحلیل استنادی. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه یزد - پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی
- حاضری، افسانه، ملکی زاده، فاطمه؛ امینیان دهکردی، شکوفه. (۱۳۹۴). مطالعه همکاری علمی و شبکه هم‌تألفی در مقالات مدیریت دانش حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی از پایگاه وب آوساینس. *مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی* ۶۱-۷۴.
- حسن‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). *مدیریت دانش: مفاهیم و زیرساخت‌ها*. تهران: کتابدار.
- حیدری، غلامرضا؛ زارع فراشبندی؛ فیروزه، حاجی‌زین‌العابدینی، محسن، عصاره، فریده، حری، عباس، بهزادی، رزیتا. (۱۳۹۲). *از کتاب‌سنجی تا وب‌سنجی: تحلیلی بر مبانی، دیدگاه‌ها، قواعد و شاخص‌ها*. کتابدار
- رضایی نور، جلال، لاریجانی، هادی؛ مولاناپور، رامین (۱۳۹۳). *دیریت دانش و به‌کارگیری آن در سازمان‌ها*. آتی‌نگر صدیقی، مهری، جلالی منش، عمار (۱۳۹۱). *مطالعه روند پژوهش در حوزه مدیریت دانش در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۰ و ترسیم ساختاری از آن*. *پردازش و مدیریت اطلاعات* ۲، ۳۶۳.
- کوکبی، مرتضی، حیدری، غلامرضا، صراطی شیرازی، منصوره (۱۳۹۳). *مقایسه کتابشناختی برون‌دادهای انتشاراتی حوزه‌های مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش؛ با تأکید بر سهم علم اطلاعات و دانش‌شناسی در هر یک از این حوزه‌ها*. *پردازش و مدیریت اطلاعات* ۲، ۳۹۷-۴۱۷.
- هاشمی، حامد و خاصه، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). *تحلیل علم‌سنجی پژوهش‌های مدیریت دانش ایران در پایگاه استنادی جهان اسلام (آی.اس.سی)*. *مجله مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*.

- Baskerville, R., & Dulipovici, A. (2006). The theoretical foundations of knowledge management. *Knowledge Management Research & Practice*, 4(2), 83-105.
- Bedford, D. A., & Lewis, J. (2015). Introduction to the special issue: Knowledge management models and theories. *Journal of Information & Knowledge Management*, 14(4), 1502002.
- Crane, L. (2016). *Knowledge and Discourse Matters: Relocating Knowledge Management's Sphere of Interest onto Language*. John Wiley & Sons.
- Carvalho, M.M., Fleury, A., Lopes, A.P., (2013). An overview of the literature on technology roadmapping (TRM): contributions and trends. *Technol. Forecast. Soc. Chang.* 80, 1418-1437.
- Edwards, J. S. (Ed.). (2016). *The essentials of knowledge management*. Springer.
- Heisig, P. (2009). Harmonisation of knowledge management—comparing 160 KM frameworks around the globe. *Journal of Knowledge Management*, 13, (4): 4-31.
- Gaviria-Marin, M., Merigó, J. M., & Baier-Fuentes, H. (2019). Knowledge management: A global examination based on bibliometric analysis. *Technological Forecasting and Social Change*, 140, 194-220.
- Kakabadse, N. K., Kakabadse, A., & Kouzmin, A. (2003). Reviewing the knowledge management literature: towards a taxonomy. *Journal of knowledge management*, 7(4), 75-91.
- Fteimi, N. (2015). Analyzing the literature on knowledge management frameworks: Towards a normative knowledge management classification schema.
- Lee, M. R., & Chen, T. T. (2012). Revealing research themes and trends in knowledge management: From 1995 to 2010. *Knowledge-Based Systems*, 28, 47-58.
- Van Leeuwen, T., & Tijssen, R. (2000). Interdisciplinary dynamics of modern science: analysis of cross-disciplinary citation flows. *Research Evaluation*, 9(3), 183-187.
- Polanyi, M. (1969) *Knowing and Being: Essays by Michael Polanyi*. M. Grene.
- Serenko, A., & Dumay, J. (2015a). Citation classics published in knowledge management journal. Part I: Articles and their characteristics. *Journal of Knowledge Management*, 19(2), 401-431.
- Serenko, A., & Dumay, J. (2015b). Citation classics published in knowledge management journal. Part II: Studying research trends and discovering the Google Scholar Effect. *Journal of Knowledge Management*, 19(6), 1335-1355.
- Timbrell, G., Delaney, P., Chan, T., Yue, A., & Gable, G. (2005). A structurationist review of knowledge management theories. *ICIS 2005 Proceedings*, 20.
- Van Leeuwen, T., & Tijssen, R. (2000). Interdisciplinary dynamics of modern science: Analysis of cross.
- Fteimi, N. (2015). Analyzing the Literature on Knowledge Management Frameworks: Towards a Normative Knowledge Management Classification Schema. In *ECIS*.

Walter, C., & Ribièrè, V. (2013). A citation and co-citation analysis of 10 years of KM theory and practices. *Knowledge Management Research & Practice*, 11(3), 221-229.

Wallace, D. P., Van Fleet, C., & Downs, L. J. (2011). The research core of the knowledge management literature. *International Journal of Information Management*, 31(1), 14-20.

Wong, K. Y., & Aspinwall, E. (2004). Knowledge management implementation frameworks: a review. *Knowledge and Process Management*, 11(2), 93-104.

پیوست ۱. منابع نظریه‌های مدیریت دانش

| نویسنده                               | عنوان   | سال انتشار | کد | میزان استناد |
|---------------------------------------|---|------------|----|--------------|
| NONAKA, I                             | A DYNAMIC THEORY OF ORGANIZATIONAL KNOWLEDGE CREATION   | 1994       | 7  | 5277         |
| Grant, RM                             | Toward a knowledge-based theory of the firm   | 1996       | 16 | 4811         |
| PRAHALAD, CK; HAMEL, G                | THE CORE COMPETENCE OF THE CORPORATION  | 1990       | 2  | 4275         |
| Nonaka I; Toyama, R; Konno, N         | SECI, ba and leadership: a unified model of dynamic knowledge creation                                    | 2000       | 41 | 3827         |
| Szulanski, G                          | Exploring internal stickiness: Impediments to the transfer of best practice within the firm               | 1996       | 14 | 2871         |
| Alavi, M; Leidner, DE                 | Review: Knowledge management and knowledge management systems: Conceptual foundations and research issues | 2001       | 47 | 2837         |
| NONAKA, I                             | THE KNOWLEDGE-CREATING COMPANY  | 1991       | 4  | 1735         |
| Spender, JC                           | Making knowledge the basis of a dynamic theory of the firm  | 1996       | 7  | 1502         |
| Nonaka, I; Konno, N                   | The concept of "ba": Building a foundation for knowledge creation   | 1998       | 31 | 1412         |
| Hansen, MT; Nohria, N; Tierney, T     | What's your strategy for managing knowledge?  | 1999       | 38 | 1297         |
| Dyer, JH; Nobeoka, K                  | Creating and managing a high-performance knowledge-sharing network: The Toyota case                       | 2000       | 43 | 1252         |
| Inkpen, AC; Tsang, EWK                | Social capital, networks, and knowledge transfer  | 2005       | 58 | 1112         |
| Studer, R; Benjamins, VR; Fensel, D   | Knowledge Engineering: Principles and methods   | 1998       | 30 | 1082         |
| Eisenhardt, KM; Martin, JA            | Dynamic capabilities: What are they?  | 2000       | 45 | 1055         |
| Wenger, E                             | Communities of practice and social learning systems   | 2000       | 44 | 1055         |
| Gold, AH; Malhotra, A; Segars, AH     | Knowledge management: An organizational capabilities perspective  | 2001       | 49 | 1039         |
| Conner, KR; Prahalad, CK              | A resource-based theory of the firm: Knowledge versus opportunism   | 1996       | 3  | 983          |
| Davenport, TH; De Long, DW; Beers, MC | Successful knowledge management projects  | 1998       | 29 | 935          |
| Cook, SDN; Brown, JS                  | Bridging epistemologies: The generative dance between organizational knowledge and organizational knowing | 1999       | 40 | 909          |
| MARCH, ST; SMITH, GF                  | DESIGN AND NATURAL-SCIENCE RESEARCH ON INFORMATION TECHNOLOGY   | 1995       | 10 | 820          |

ادامه پیوست ۱. منابع نظریه‌های مدیریت دانش

| نویسنده                                | عنوان   | سال انتشار | کد | میزان استناد |
|--|---|------------|----|--------------|
| Leonard, D; Sensiper, S                | The role of tacit knowledge in group innovation   | 1998       | 33 | 610          |
| Bucholtz, M; Hall, K                   | Identity and interaction: a sociocultural linguistic approach   | 2005       | 61 | 557          |
| Hansen, MT                             | Knowledge networks: Explaining effective knowledge sharing in multiunit companies                             | 2002       | 54 | 547          |
| Brown, JS; Duguid, P                   | Organizing knowledge  | 1998       | 32 | 542          |
| De Long, DW; Fahey, L                  | Diagnosing cultural barriers to knowledge management  | 2000       | 46 | 529          |
| Earl, M                                | Knowledge management strategies: Toward a taxonomy  | 2001       | 50 | 408          |
| BETTIS, RA; PRAHALAD, CK               | THE DOMINANT LOGIC - RETROSPECTIVE AND EXTENSION  | 1995       | 9  | 398          |
| Inkpen, AC; Dinur, A                   | Knowledge management processes and international joint ventures   | 1998       | 36 | 376          |
| Tsoukas, H; Vladimirov, E              | What is organizational knowledge?   | 2001       | 51 | 374          |
| DRUCKER, PF                            | THE COMING OF THE NEW ORGANIZATION  | 1988       | 1  | 355          |
| Markus, ML                             | Toward a theory of knowledge reuse: Types of knowledge reuse situations and factors in reuse success          | 2001       | 48 | 350          |
| Teece, DJ                              | Strategies for managing knowledge assets: the role of firm structure and industrial context                   | 2000       | 42 | 318          |
| Quinn, JB; Anderson, P; Finkelstein, S | Managing professional intellect: Making the most of the best  | 1996       | 17 | 247          |
| Inkpen, AC                             | Creating knowledge through collaboration  | 1996       | 19 | 234          |
| BOHN, RE                               | MEASURING AND MANAGING TECHNOLOGICAL KNOWLEDGE  | 1994       | 8  | 219          |
| Grant, RM                              | The knowledge based view of the firm: Implications for management practice                                    | 1997       | 26 | 207          |
| Demarest, M                            | Understanding knowledge management  | 1997       | 23 | 198          |
| Wiig, KM                               | Integrating intellectual capital and knowledge management   | 1997       | 24 | 185          |
| Almeida, P; Song, JY; Grant, RM        | Are firms' superior to alliances and markets? An empirical test of cross-border knowledge building            | 2002       | 52 | 183          |
| BLACKLER, F                            | KNOWLEDGE AND THE THEORY OF ORGANIZATIONS - ORGANIZATIONS AS ACTIVITY SYSTEMS AND THE REFRAMING OF MANAGEMENT | 1993       | 6  | 158          |
| Gourlay, S                             | Conceptualizing knowledge creation: A critique of Nonaka's theory   | 2006       | 63 | 139          |
| O'Leary, DE                            | Using AI in knowledge management: Knowledge bases and ontologies  | 1998       | 35 | 109          |
| Nonaka, I; Umemoto, K; Senoo, D        | From information processing to knowledge creation: A paradigm shift in business management                    | 1996       | 13 | 103          |
| COLLINS, HM                            | THE STRUCTURE OF KNOWLEDGE  | 1993       | 5  | 88           |
| Drew, SAW                              | From knowledge to action: The impact of benchmarking on organizational performance                            | 1997       | 25 | 88           |
| Zhuge, H                               | A knowledge grid model and platform for global knowledge sharing  | 2002       | 53 | 82           |

ادامه پیوست ۱. منابع نظریه‌های مدیریت دانش

| نویسنده   | عنوان  | سال انتشار | کد | میزان استناد |
|---|--|------------|----|--------------|
| Kodama, M   | Knowledge creation through networked strategic communities - Case studies on new product development in Japanese companies | 2005       | 59 | 75           |
| Thompson, MPA; Walsham, G                           | Placing knowledge management in context  | 2004       | 56 | 73           |
| Leonard, D; Straus, S                               | Putting your company's whole brain to work   | 1997       | 27 | 62           |
| Nehm, RH; Ha, MS                                    | Item Feature Effects in Evolution Assessment   | 2011       | 67 | 57           |
| Kleiner, A; Roth, G                                 | How to make experience your company's best teacher   | 1997       | 28 | 56           |
| Brooking, A   | The management of intellectual capital   | 1997       | 22 | 55           |
| Glazer, R   | Measuring the knower: Towards a theory of knowledge equity   | 1998       | 34 | 53           |
| Ragab, MAF; Arisha, A                               | Knowledge management and measurement: a critical review  | 2013       | 68 | 52           |
| Foray, D; Lundvall, BA                              | The knowledge-based economy: From the economics of knowledge to the learning economy                                       | 1996       | 11 | 49           |
| Marshall, C; Prusak, L; Shpilberg, D                | Financial risk and the need for superior knowledge management  | 1996       | 18 | 46           |
| Marshall, C; Prusak, L; Shpilberg, D                | Financial risk and the need for superior knowledge management  | 1996       | 18 | 46           |
| Quintane, E; Cas-selman, RM; Reiche, BS; Nylund, PA | Innovation as a knowledge-based outcome  | 2011       | 66 | 41           |
| Herbane, B; Elliott, D; Swartz, EM                  | Business Continuity Management: time for a strategic role?   | 2004       | 57 | 38           |
| Guzman, G   | What is practical knowledge?   | 2009       | 64 | 16           |
| Tsoukas, H  | How Should We Understand Tacit Knowledge? A Phenomenological View  | 2011       | 65 | 16           |
| Mirchandani, D; Pakath, R                           | Four models for a decision support system  | 1999       | 37 | 15           |
| Baskerville, R; Pries-Heje, J                       | Knowledge Capability and Maturity in Software Management   | 1999       | 39 | 14           |
| Crane, L; Bontis, N                                 | Trouble with tacit: developing a new perspective and approach  | 2014       | 69 | 8            |
| Bush, AA; Tiwana, A                                 | Designing sticky knowledge networks  | 2005       | 60 | 7            |
| Vaishnavi, VK; Buchanan, GC; Kuechler, WL           | A data/knowledge paradigm for the modeling and design of Operations Support Systems  | 1997       | 20 | 6            |
| Wu, CH; Lee, TZ; Kao, SC                            | Knowledge discovery applied to material acquisitions for libraries   | 2004       | 55 | 5            |
| Prichard, C   | Blackler: Knowledge, knowledge work and organizations: An overview and interpretation - Commentary                         | 1996       | 12 | 4            |
| Eisenberg, H  | Reengineering and dumbizing: Mismanagement of the knowledge resource   | 1997       | 21 | 4            |
| Prusak, L; Weiss, L                                 | Working knowledge research program: Knowledge in organizational settings   | 2006       | 62 | 0            |